

## آزاده پشوتنی زاده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲.۰۳.۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲.۰۸.۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲.۰۸.۰۶

DOI: 10.22055/PYK.2023.18565 URL: [https://paykareh.scu.ac.ir/article\\_18565.html](https://paykareh.scu.ac.ir/article_18565.html)

ارجاع به این مقاله: پشوتنی زاده، آزاده. (۱۴۰۲). نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان. پکره، ۱۲(۳۴)، ۱۹-۳۶.

ترجمه انگلیسی این مقاله در همین شماره با عنوان زیر منتشر شده است

Pre-Islamic Symbols in Pictorial Carpets of Iranian Kings

مقاله پژوهشی

## نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

### چکیده

**مقدمه:** فرش‌های ایرانی متعددی با نقش‌مایه پادشاهان اساطیری پیشااسلامی در موزه‌ها موجود است که ساختار بیشتر آن‌ها ساختار مشابه است و در آن‌ها پادشاهان با اسمی باستانی خویش و همراه با موجودات متافیزیکی تصویر می‌شوند و دارای سه سطح‌بندی؛ نخست جایگاه پادشاه و فره کیانی؛ دوم جایگاه اجنه/ دیوان و سوم جایگاه سربازان هستند. در این گونه فرش‌ها تغییرشکل مفاهیم متافیزیکی پیشااسلامی به شکل‌های نمادین منجر شده است. این پژوهش که با هدف شناخت پادشاهان اسطوره‌ای در فرش‌های تصویری ایران تدوین شده، در پی پاسخ به سوالات پیش رو است. طراحان ایرانی فرش با بهره‌گیری از قابلیت رسانه‌ای فرش، این سطح بندی سه گانه پیش گفته را چگونه انتقال داده و نمادهای بیانگر حمایتگری ایزد مهر و ایزدبانوی ناهید از پادشاهان دوران اسلامی در این فرش‌ها چیست؟

**روش پژوهش:** این پژوهش ماهیتی کیفی دارد و پژوهشی بنیادی محسوب می‌شود. جمع‌آوری اطلاعات از کتابخانه‌ها و موزه‌های ملی فرش ایران است. و شیوه بیان آن روش توصیفی و تحلیلی است.

**یافته‌ها:** وجود نمادهای پیشااسلامی در ترکیب با داستان پیامبران سامی، آمیخته به تصاویر پادشاهان دوران اسلامی ایران در نقش‌مایه‌هایی چون گوی نورانی در پشت تخت‌گاه متعلق به سطح نخستین، اجنه در بخش میانی، سربازان و وزرا در آخرین سطح، از ترکیبات منحصر به فرد فرش‌های تصویری ایران است. در اندیشه طراحان فرش، نیروهای متافیزیکی همچون پلی وسیله انتقال مفاهیم پیشااسلامی را به نقش‌مایه پادشاهان اسلامی فراهم کرده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** اسطوره‌شناسی و دانش بصری طراحان فرش‌های تصویری ایران منجر به انتقال مفاهیم متافیزیکی موجود در اسطوره‌های پادشاهان پیشااسلامی و پیامبران سامی به نقش‌مایه‌های پادشاهان اسلامی گردیده است که نماد ایزدبانوی ناهید در قالب حوض آب و ایزد مهر به فرم گوی نورانی نمود یافته است.

### کلیدواژه

فرش‌های تصویری ایران، پادشاهان اسطوره‌ای و اسلامی، مهر و ناهید، پیامبران سامی

۱. استادیار گروه هنرهای سنتی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

Email: [pashootanizadeh@richt.ir](mailto:pashootanizadeh@richt.ir)

## مقدمه و بیان مسأله

دو نظام ادراکی انسان تصویر و کلام است که کلام از طریق ادبیات و تصویر از طریق هنر بروز می‌یابند. هنرمندان فرش ایران بر اساس کلام/ توصیفات به آفرینش تصاویر می‌پردازند. از این بابت، ذهن ایشان پدیده کلام‌محوری<sup>۱</sup> و تصویرمحوری<sup>۲</sup> را همزمان تجربه می‌کند که ماحصل آن ترکیب نقشماهیه‌هایی از پادشاهان ادوار گوناگون است. شناسایی کلام/ توصیفاتی که منجر به تلفیق فرهنگ باستانی ایران و اسطوره‌های پیامبران سامی شده‌اند و در آفرینش این نقشماهیه‌ها دخیلند، از ضروریات این پژوهش است. نقشماهیه‌هایی که با نظام معیشتی ایرانیان که کشاورزی و دامپروری است عجینند. این شیوه امරار معاش مسبب تمکن جستن ایرانیان باستان به ایزدان و ایزدبانوانِ موکل عناصر طبیعت می‌شد. چراکه میزان حمایتگری ایزد مهر (خورشید) و ایزدبانوی ناهید (آب) با کشاورزی و دامپروری ارتباط داشت. البته این دو شغل نیز از یکدیگر مجزا نبوده و بر هم تأثیرات متقابل دارند. سرسیزی زمین و رونق کشاورزی، چراگاه‌های مناسبی برای دامپروران فراهم می‌آورد. کشاورزی، پیشنهاد توصیه شده در کیش زرتشت است و اهمیت دامپروری در ترکیب اسامی پادشاهان اسطوره‌ای با احشام هویدا می‌شود. گرچه ایزدان و ایزدبانوان مسئولیت باروری و سرسیزی زمین را داشته و حامیان کشاورزیند، اما پادشاهان فرهمند نیز که نماد زمینی ایزد مهرند و دریافت کننده فره کیانی از وی؛ برای ایزدبانوی ناهید به منظور جذب حمایتگری وی، قربانی می‌کنند تا بدین‌وسیله از کشاورزی و دامپروری حمایت کرده باشند. پس از پایان دوره ساسانی، وظایف ایزدان، ایزدبانوان و پادشاهان اساطیری به مقدسین و پیامبران واگذار شد و با فندگان فرش ترکیبی از دانسته‌ها و وجوده مشترک آن‌ها را در پهنه فرش به تصویر کشیدند. این پژوهش تلاش دارد تا انتقال اسطوره‌های پیشااسلامی و ترکیب مفاهیم نمادینشان را در نقشماهیه‌های فرش معاصر مشخص گرداند.

## روش پژوهش

در این پژوهش، مطالعه و گردآوری تصاویر بر اساس نسخ انتشار یافته، فرش‌های موجود در موزه ملی فرش و مجموعه‌های خصوصی یا آرشیو مجموعه‌داران خصوصی صورت گرفته است. مقایسه تطبیقی تصاویر و سپس ارتباطشان با متون نوشتاری که به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند؛ منجر به نتیجه‌گیری توصیفی و تحلیلی گردید. جامعه آماری پژوهش شامل انواع فرش‌های تصویری با نقشماهیه پادشاهان (استوره‌ای ایران‌باستان یا ادوار اسلامی) است که به جز تصاویر کتاب تناولی (۱۳۶۸)، شامل سه تخته فرش موجود در موزه ملی فرش و یک تخته فرش متعلق به مجموعه‌دار خصوصی می‌باشد. تحلیل نمادها و وجوده اشتراکشان، چکیده‌نگاری شده است تا سنجهش و مطالعه تطبیقی سهل‌تر صورت گیرد.

## پیشینه پژوهش

برای اولین‌بار، شناسنامه فرش‌های تصویری که حاوی نقش پادشاهان ایران‌باستان یا ادوار اسلامی‌اند در کتاب «قاليچه‌های تصویری ایران» توسط «تناولی» (۱۳۶۸) به چاپ رسید که منبع الهام تحقیقاتی با محوریت دیدگاه حاکم بر مشروعيت در عصر قاجار و اهمیت مقام معنوی پادشاهان قاجاری بوده و معیارها و استانداردهای زیبایی‌شناسی نقش آن دوره از تاریخ را شرح می‌دهد. «شایسته‌فر و صباغ‌پور» (۱۳۹۰) مقاله‌ای با عنوان «بررسی قالی‌های تصویری دوره قاجار» نشر داده‌اند که به شیوه توصیفی، سعی در ارایه معیارهای زیبایی‌شناسی فرش‌های

تصویری دارد. «ایمانی، طاووسی، چیتسازیان و شیخمهدی» (۱۳۹۴) مقاله‌ای با عنوان «گفتمان باستان‌گرایی در نقوش قالی‌های تصویری دوره قاجار» انتشار داده‌اند که نزدیکترین پژوهش با پژوهش حاضر است. همچنین مقاله «وندشواری» (۱۳۸۷) با عنوان «اسطورة هوشنگ‌شاه در قالی‌های تصویری دوره قاجاریه» با تمرکز بر هوشنگ‌شاه به شرح قالی‌های اسطوره‌ای پرداخته است. هر دو مقاله اخیر به تحولات دلایل اجتماعی دوران قاجار و تمایل پادشاهان برای نشان دادن مشروعيت معنوی خویش اشاره کرده است. «آهنی، خزابی و عبدالله‌ی فرد» (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نشانه‌های قدرت در قالی‌های تصویری دوره قاجار» با رویکردهای مشابه با دو مقاله پیشین فرش‌های تصویری را نقد کرده‌اند. «کشاورز افشار» (۱۳۸۷) در رساله خود با موضوع «بررسی قالیچه‌های تصویری قرن ۱۳ و ۱۴ هجری» به تصویر انسان در فرش‌های تصویری موجود در موزه فرش ایران پرداخته و رساله «رشادی» (۱۳۹۰) با عنوان «سیر تحول تصویربافی در فرش ایران از دیرباز تا امروز» کار مشابه با رساله پیشین را انجام داده است؛ تنها با این تفاوت که بیشتر بر نمادپردازی‌های پادشاهان باستانی تأکید داشته است. گرچه پژوهش‌های انجام شده ارزشمندند؛ اما نوشتار حاضر بر تحولات اجتماعی در بروز نقش‌مایه‌های پادشاهان اساطیری تکیه نمی‌کند و به مفاهیم نمادین موجود در لایه‌های زیرین نقوش پادشاهان باستانی اشاره دارد. این پژوهش با تطبیق متون ایران باستان و یافتن وجهه اشتراک با نقش‌مایه‌های فرش‌های تصویری، به کشف هدف طراحان فرش درباره این نقوش می‌پردازد. اشتراکاتی که از طریق زنجیره‌های متافیزیکی اعم از اجنه و پریان، ایزد مهر و ایزدانوی ناهید پیشااللامی یا پیامبران سامی برقرار می‌شود تا عناصر تصویری پادشاهان اسطوره‌ای ایران باستان را با تغییرات روبنایی به نقش‌مایه‌های تصویری پادشاهان ادوار اسلامی منتقل کند.

## اشتراکات پادشاهان اسطوره‌ای ایران (هوشنگ، تهمورث، جمشید) با پیامبران سامی (سلیمان نبی و ادریس)

فرشته خورشید (ایزد مهر) از ادریس (هوشنگ) باد خواست تا او را به آسمان ببرد و خداوند، او را به آسمان چهارم برد (یا حقی، ۱۳۸۶، ۳۳۹). پس از هوشنگ، تهمورث قرار دارد که در روایات اوستایی، تهمورث به ایزد باد پیشکشی داد و از این طریق بر دیوان و جادوان پیروز شد (یشتها، ۲/۱۴۳). پس از تهمورث نیز جمشید قرار دارد. جام جهان‌نما، همان جام جمشید است و خاصیت اسرارآمیزش این است که هر آنچه در دوردست اتفاق می‌افتد، بر آن منعکس می‌شد (یا حقی، ۱۳۸۶، ۲۷۴). خاصیت جام جمشید، مشابه باد برای سلیمان است. باد صاحب خبر برای سلیمان بود (یا حقی، ۱۳۸۶، ۴۷۴) و باد، صبح و عصر به مقدار یک ماه مسیر را طی می‌کرد (سبا: ۱۲، انبیاء: ۸۱). مفسران بسیاری گفته‌اند که بساط سلیمان پانصد فرسنگ بود که وی به باد دستور می‌داد تا آن بساط را با تمام مخلوقاتش بلند کند و به هوا ببرد. (خزاعی نیشاپوری، ۱۳۷۴، ۲۵۴). «سورآبادی» نیز نقل می‌کند که خورشید، باد و آب از سلیمان خواستند تا وی از خدا بخواهد که آن‌ها را آرام و قرار دهد (سورآبادی، ۱۳۷۰، ۲۸۰). برخی جام‌جم را به علت کشف می‌در زمان جمشید، همان جام شراب می‌دانند (مرتضوی، ۱۳۳۲، ۲۴). البته اگر شراب را در قیاس با باغوس/باکوس مورد واکاوی قرار دهیم، ارتباط جمشید با ایزدانوی ناهید مشخص می‌گردد. برخی محققان میان جام مقدس سلیمان، جام‌جم و همچنین ارتباط فره کیانی (فر جمشید) با جام مقدس و پیوند آن‌ها با مهر در فرهنگ ایرانی مشابه‌هایی یافته‌اند (واحددوست، ۱۳۷۹، ۴۴۰). گرچه کیش مهر و فره کیانی کاملاً مطابق نیستند اما پیوندهای مشترکی دارند. در زامیادیشت (بندهای ۳۶ و ۳۵) تأکید می‌شود

# بِكَرَه

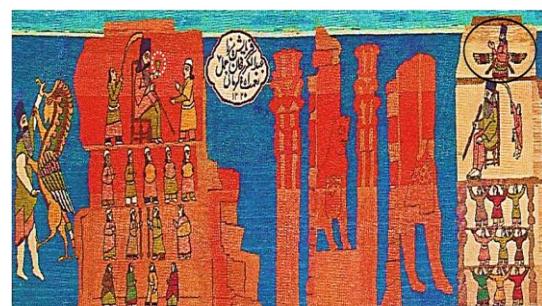
فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

## نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

۲۲

که هنگام گسستن فره از جمشید، ایزد «مهر» آن را برگرفت و پس از آن فره کیانی در تصرف مهر است و اوست که فره کیانی را از پادشاهان ویرانگر بازپس می‌گیرد. بنابراین هر جا که «مهرآبینی» راه یافته باشد؛ به معنای کیش فره کیانی است. در میان یادمان‌های مهری، قدح‌ها و بشقاب‌های فراوانی را می‌توان یافت که از مهرابه و بناهای مربوط به مهر کشف شده‌اند. این قدح‌ها هم سرچشمۀ زندگی را نشان می‌دهند و هم مفهوم مهمی در «کیش جام» به شمار می‌روند (**کویاچی، ۱۳۷۱، ۶۲**). اما «جام» به آثار مؤلفان اسلامی نیز ورود یافت و آنان از جنی سخن گفته‌اند که برای سلیمان جام‌های شیشه‌ای می‌ساخت تا بدین‌وسیله او بتواند جن‌ها را زیرنظر داشته باشد (**مدرسی، ۱۳۸۵، ۲۳**). بعد از اسلام، داستان‌های جمشید و سلیمان چنان با هم آمیختند که برخی فرهنگ‌ها، ذیل واژه «جمشید» نوشته‌اند: اگر نام پادشاهی با لفظ خاتم و نگین و تخت و باد و آصف و ماهی و طیور و امثال آن باشد، مقصود همان سلیمان نبی است (**رامپوری، ۱۳۶۳، ۲۵۸**). سند دیگر در ارتباط با «فارس» است که ایرانیان آن را مُلک سلیمان و مرکز حکومت جمشیدشاه دانسته‌اند. ایشان، آثار باقی‌مانده از پادشاهان هخامنشی را به جمشید نسبت دادند و نام گرفتن پرسپولیس به «تخت جمشید» اقتباسی از این تفکر است (**صدیقیان، ۱۳۷۵، ۱۱۰**). در کتاب عجایب‌نامه بر ساخت تخت جمشید توسط دیوان، پریان و اجنه تصریح شده است و علت آن نیز تصور مردم مبنی بر حمل تخته‌سنگ‌های بزرگ از نقاط دور دست به صفة تخت جمشید می‌باشد که منجر به ساختن کاخ‌ها و ستون‌های عظیم آن گردید؛ و گرنه که با وسایل عادی، دست و نیروی انسانی، امری ناممکن می‌نماید (**لاری، ۱۳۸۰**). این نگرش با اساطیر سامی که خدمات دیوان سلیمان را شرح می‌دهد، مطابقت دارد. فلذا در قرون اسلامی جمشید و سلیمان را یکسان پنداشته و فارس نیز به «تختگاه ملک سلیمان» و پادشاهش به «وارث ملک سلیمان» شهرت یافت (**معین، ۲۵۳۵ و ۱۱۵؛ یاحقی، ۱۳۸۶، ۲۹۴**). رجوع به مقدمۀ گلستان دربارۀ اتابک اوبکرین سعدی زنگی شاهدی بر مدعاست که سعدی وی را «وارث ملک سلیمان» و «قائم مقام سلیمان» می‌خواند (**سعدی، ۱۳۷۱، ۷۰ و ۷۳ و ۱۹۵**). علاوه‌بر آن، آرامگاه کورش در فارس نیز به «مشهد مادر سلیمان» (**یاحقی، ۱۳۸۶، ۲۹۴**) و استخر فارس به «بارگاه‌های سلیمان» شهرت دارد (**طوسی، ۱۳۸۲، ۱۷۸ و ۲۵۵**). در فرش‌هایی که نقوش تخت جمشید را دارا می‌باشد، واژه «حضرت سلیمان» به‌وضوح مشخص است (**تناولی، ۱۳۶۸، ۳۷**). وجود فرش‌هایی که تصویر خشایارشاه در تخت جمشید را ترسیم می‌کنند؛ اما در کادر بالای تصویر واژه‌های «جمشید جم» یا «حضرت سلیمان» نوشته شده است، مصدقه‌های فراوانی در فرش‌های تصویری ایران دارد (**تناولی، ۱۳۶۸، ۱۷**). (تصاویر ۱ و ۲.ج).



تصویر ۱. فرش از جنس پشم و صحنه‌ای از تخت جمشید، محل بافت: راور کرمان، تاریخ: ۱۳۲۵، بعدها ۱۲۸۰ × ۶۰ سانتی‌متر. منبع: **تناولی، ۱۳۶۸، ۱۵۷**.

توضیحات: سمت راست فرش دارای فره کیانی/فروهر در بالای سر پادشاه است و سمت چپ، جام جم در دستان پادشاه قرار دارد. تعداد اورنگبران در هر دو سمت عدد فرد است. (عدد ۹ و ۱۳).

# بیکره

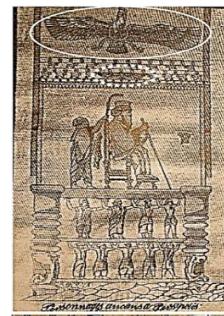
فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

## نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

۲۳

طبرسی، نمونه اصلی «محاریب» را معبد معروف سلیمان در اورشلیم می‌داند. چراکه مصادق محاریب کاخ‌هایی با وجوده آئینیند و مردم ایران اینیه شگفت‌آور را به جمشید یا سلیمان نسبت می‌دهند. از این بابت، بارگاه جمشید یا «تحت‌جمشید» و معبد سلیمان را یکی دانسته؛ و یا تخت‌سلیمان در آذربایجان غربی که آتشکده آذرگشنسب دوره ساسانی است را در دسته محاریب قرار می‌دهند (غلامی، ۱۳۸۶) (تصاویر ۱ و ۲).



تصویر ۲. اف. فرش از جنس پشم، تاریخ: ۱۳۱۱ شمسی. ابعاد: ۱۲۵ × ۱۹۸ سانتیمتر، در سال ۱۹۷۰ م. توسط موزه آرمیتاژ سن پترزبورگ خریداری شد. منبع: Ander, 1995, 45.

توضیحات: در تمام تصاویر ۲. در بخش‌های الف، ب و ج یکسان است: وجود فروهر در بالای تصویر نمادی از فره و تعداد اورنگبران عدد فرد است (عدد ۹).



تصویر ۲. ب. فرش از جنس پشم و ابعاد ۲۰۳ × ۱۴۱ سانتیمتر، محل بافت: قشقایی فارس، تاریخ: ۱۲۴۵-۱۲۴۹ شمسی.



تصویر ۲. ج. فرش از جنس پشم، در حاشیه بالای فرش [کادر مستطیل] حاوی نوشته‌ای به خط فارسی است: «حضرت سلیمان» وجود دارد. تاریخ: ۱۲۲۲ ه.ق.

به‌نظر می‌رسد گروهی از ایرانیان در نسبت دادن حکایات مربوط به پیامبران الهی از جمله سلیمان به پادشاهان اساطیری ایران باستان تعمد داشته‌اند (دزفولیان و صحرابی، ۱۳۸۹). چراکه نسبت یافتن پادشاهان ایرانی به پیامبران الهی و انتساب پاره‌ای از بناهای تاریخی و فرهنگی پیشااسلامی ایران به حضرت سلیمان، حفاظت بناهای تاریخی از آسیب متعصبان را تضمین می‌نمود (اوشیدری، ۱۳۷۱، ۲۳۵). گرچه سلیمان و جمشید در داستان‌ها وجود اشتراک بیشتری دارند و اجنه سلیمان به همراه سربازان تخت‌جمشید، تلمیحی از «جمشیدشاه» را به وجود می‌آورند؛ اما حضور نام «هوشنگشاه» در بالای فرش که برای معرفی پادشاه بر تخت نشسته (سلیمان یا جمشید) آمده است؛ هوشنگ، جمشید (پادشاهان اسطوره) و حضرت سلیمان (ع) را یک نفر معرفی می‌کند (تصویر ۳).

# بیکره

فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

## نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

۲۴

تصویر ۳. ب. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت:  
اطراف همدان، تاریخ بافت:  
قرن سیزدهم هجری.  
منبع: [تاولی، ۱۳۶۸، ۱۲۸](#).



توضیحات: دو کادر سفید مشتمل بر نام هوشنگ شاه و فره  
کیانی به همراه سه ردیف سربازان تخت جمشید (۱۵ نفر) با دو  
وزیر در سمت راست و چپ (تعداد سربازان فرد است).

تصویر ۳.الف. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل: محمد  
جوانمردی، محل بافت:  
تیمچه گل بازار و کیل شیراز،  
تاریخ بافت: ۱۳۱۳. منبع:  
[نگارنده.](#)



توضیحات: دو کادر سفید مشتمل بر نام هوشنگ شاه و فره  
کیانی به همراه هفت نفر در اطراف پادشاه و پنج نفر در قسمت  
زیرین با لباس سربازان تخت جمشید و دو وزیر در سمت راست  
و چپ (تعداد سربازان فرد است).

## جن و پری در داستان‌های سلیمان‌نبوی و جمشید

گرچه در ادبیات دینی فارسی میانه و در نوشته‌های پهلوی، پری موجودی اهریمنی با نیروی جادوی است که می‌تواند هر زمان که بخواهد نماد و پیکر خود را تغییر دهد تا پهلوانان را بفریبد و به دام و دهش مزدا آسیب برساند ([سرکاراتی، ۱۳۵۰](#))؛ اما معین «پری» را موجودی متوه و نامرئی؛ و مؤنث جن که می‌تواند با انسان خاکی جفت‌گیری کند، معرفی می‌کند ([معین، ۱۳۸۱، ۲۴۹](#)). یکی از پریان که نقش مهمی در داستان‌های سلیمان نبوی دارد، ملکه سبا (بلقیس) می‌باشد که موجودی پری‌زاد است. پدر بلقیس، در شکارگاه مار سیاهی می‌بیند که بر مار سفیدی پیچیده و قصد هلاکش را دارد. او به مار سفید کمک می‌کند و می‌رهاندش. مار سفید که در جدال زخمی و بی‌جان شده، توسط پدر بلقیس کنار رودخانه رها می‌شود. پدر بلقیس چون به خانه می‌رسد: «... مردی دید در میان خانه ایستاده نیکوروی ... گفت: من ... پسر مهتر پریان و آن مار سفیدم که برهانیمی ...، مرا خواهri است ... اگر خواهی تا او را به زنی تو دهم ...» ([عبداللهی، ۱۳۸۱، ۱۰۱۲](#)). سپس پدر بلقیس با آن پری که خواهر مار سفید بود ازدواج کرد و بلقیس از آن پری زاده شد. ارتباط پری به عنوان مؤنث جن و مار سفید را می‌توان در واژه‌شناسی ادبیات عرب یافت، چراکه واژه «جان» به گونه‌ای از مار سفید اطلاق می‌شود و از فعل جن (بیوانید)، هم‌خانواده جنون و جن است. از این بابت، اعراب جن و مار سفید را از یک خانواده می‌دانند ([تاواراتانی، ۱۳۸۵](#))، [۱۲](#). ازدواج پریان با انسان‌ها که معین بدان اشاره کرده است؛ عامل اشتراک داستان ازدواج پدر بلقیس و جمشید می‌باشد. جمی که خواهر جمشید و در اساطیر ایرانی و هندی از اوی یاد شده است نیز داستانی در روایات پهلوی دارد. جمی و برادرش، جم پس از به شاهی رسیدن ضحاک به سمت دریای زره فرار می‌کنند. دیو و یک پری به دنبالشان می‌روند و پس از آشنازی، با هم قرار می‌گذارند که جمی همسر دیو بشود و آن پری همسر جم ([عفیفی، ۱۳۹۷، ۴۹۰](#)). به این نحو، جمشید با پری در بن دریای فراخکرت، ازدواج می‌کند ([مدرسی، ۱۳۸۵](#)). بنابراین،

## بیکره

فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

### نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

۲۵

وجود پریان در داستان جمشید و سلیمان نبی از دیگر وجوده اشتراک آنان است. در فرش‌های مربوط به حضرت سلیمان همانند فرش‌های هوشنگ‌شاه دو جن در پایین تختگاه وی قرار دارند، تنها با این تفاوت که اجنّه حضرت سلیمان ایستاده‌اند ولی اجنّه هوشنگ‌شاه نشسته هستند (تصویر ۴).



تصویر ۴.ب. فرش سلیمان،  
تاریخ: قرن سیزدهم شمسی،  
شماره: ۱۶۹۲، محل بافت: تهران.  
بافت: کاشان. منبع: نگارنده.



تصویر ۴.الف. فرش سلیمان،  
تاریخ: قرن سیزدهم شمسی،  
شماره: ۱۶۹۲، محل بافت: تهران.  
منبع: نگارنده.

## اشتراکات اسطوره‌ای میان هوشنگ و فریدون

مطابق شاهنامه، پیدایش آتش به هوشنگ پیشدادی منسوب است و گویا تا زمان هوشنگ‌شاه، آتش ناشناخته بود. از این روی، ایرانیان باستان «سَدَه» را جشن پیدایش آتش نام گذارند. البته برای جشن سَدَه، به صد رسیدن تعداد فرزندان گیومرث را نیز قید کرده‌اند. اما داستان دیگر آن به فریدون ارتباط دارد. پس از آنکه فریدون بر ضحاک پیروز شد، آشپز ضحاک (ارماییل) را عقوبت کرد. اما او مدعی شد که تعدادی را از مرگ رهانیده و به کوه دماوند فرستاده. فریدون پذیرفت و با سپاهی به سمت دماوند رفت. ارماییل به آنان گفت بر بام‌ها آتش بیفروزنده تا تعدادشان مشخص شود و آن شب مصادف با دهم بهمن ماه بود که جشن سده نامیده شد (بیرونی، ۱۳۱۸، ۲۵۸). بنابراین بنیانگذار جشن سده هم فریدون است و هم هوشنگ. علاوه‌بر آن، نقطات اشتراک دیگر فریدون و ادریس (هوشنگ)، دانستن علم نجوم و جادو (یاحقی، ۱۳۸۶، ۶۳۴ و ۸۶) و یاری جستن از ایزدانوی ناهید است. هوشنگ یکصد هزار اسب، هزار گاو و ده هزار بره قربانی کرد و بدین طریق صاحب فره کیانی شد. فریدون نیز برای ایزدانوی ناهید گله‌های گاو و اسب قربانی کرد. قربانی نمودن، عامل مشترک میان گیومرث، هوشنگ، جمشید و فریدون است. برخی روایات اسلامی، حکومت بیوراسب/ضحاک و مجاهدت‌های فریدون را با نوح هم‌زمان دانسته‌اند (بیرونی، ۱۳۷۷، ۲۹۲). در تصاویر فرش‌های متعدد مربوط به هوشنگ با دو نمونه از نمایش ایزد مهر مواجه هستیم. اول: یک گوی خورشیدسان مهر در پشت تختگاه پادشاه که پادشاه شمشیر خود را به صورت ایستاده در دست گرفته است. باقی اجزاء تصویر از جمله اجنّه نشسته در پای تختگاه، اعداد فرد که برای تعداد افراد حاضر در صحنه فرش به جز پادشاه انتخاب شده است و سربازان تخت‌جمشیدی در بخش زیرین فرش مشترک است (تصویر ۵) که وجه اشتراکشان حضور گوی خورشیدسان به نماد ایزد مهر است. در گروه اول از این نمونه فرش‌ها شاهد دو ترکیب‌بندی هستیم. الف. تعداد سربازان تخت‌جمشید در پایین تصویر، چهار نفر است و با یک نفری که در سمت راست پادشاه قرار گرفته، به پنج نفر تبدیل می‌شوند (تصویر ۵.الف و ب). ب. تعداد سربازان تخت‌جمشید در پایین تصویر، پنج نفر است و با دو نفری که در دو سمت پادشاه قرار گرفته‌اند یک گروه هفت نفری را تشکیل می‌دهند (تصاویر ۵.ج و د).

# بیکر

فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

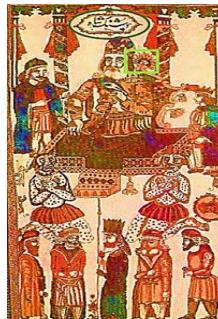
## نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

۲۶



تصویر ۵. ج. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت: اطراف با دیپلمات‌های فرنگی، محل  
ملایر، تاریخ: قرن سیزدهم هجری. منبع: [تناولی](#).  
.۱۳۰، ۱۳۶۸



تصویر ۵. د. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت: اطراف خراسان، تاریخ: اوایل قرن  
سیزدهم هجری. منبع: [تناولی](#).  
.۱۴۸، ۱۳۶۸



تصویر ۵. ب. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت: اطراف چهاردهم هجری. منبع: [تناولی](#).  
.۱۵۰، ۱۳۶۸



تصویر ۵. الف. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت: اطراف خراسان، تاریخ: اوایل قرن  
چهاردهم هجری. منبع: [تناولی](#).  
.۱۳۶۸

دوم: دو گوی خورشیدسان، دو بوتۀ گل یا دو کوتوله در دو سمت سر پادشاه وجود دارد؛ که گوی‌های خورشیدسان نماد ایزد مهر است و گل‌های سرخ نماد ایزدبانوی ناهید است. در این تصاویر یا پادشاه، شمشیری در دست ندارد یا شمشیر به صورت خوابیده روی زانوی پادشاه قرار گرفته است که شاید نمادی از صلح و آرامش باشد. ضمناً، در این بخش از فرش‌های هوشنگ‌شاهی حتماً شیری حضور دارد. در اسطوره‌های ایران باستان، شیر بدون نماد چلپا/خورشید، نماد ایزدبانوی ناهید است، اما با یک تفاوت می‌توان شیر ناهید را از شیر مهر بازنخت. شیر بدون نماد چلپا/بنابراین، حضور شیر، تأکیدی از ایزد مهر و ایزدبانوی ناهید است (تصویر ۶).



تصویر ۶. د. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت:  
اطراف همدان یا زرند، تاریخ:  
۱۳۱۲ هجری. منبع: [تناولی](#).  
.۱۳۶، ۱۳۶۸



تصویر ۶. ج. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت:  
اطراف ملایر تاریخ: ۱۳۰۱ هجری. منبع: [تناولی](#).  
.۱۳۸



تصویر ۶. ب. فرش  
هوشنگ‌شاه، محل بافت: همدان، در گرین، تاریخ: اوایل قرن  
سیزدهم هجری. منبع: [تناولی](#).  
.۱۴۰، ۱۳۶۸



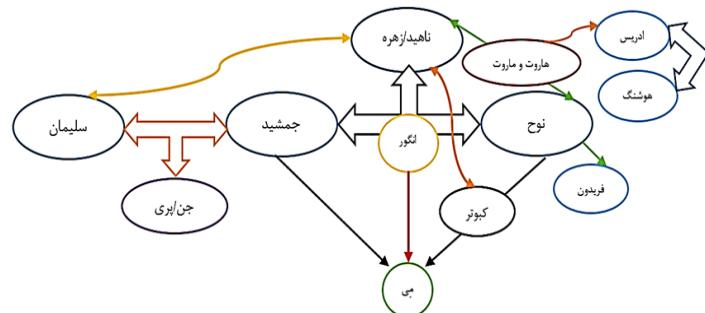
توضیحات: دو گُل سرخ.

توضیحات: دو انسان کوچک.

توضیحات: دو گوی خورشیدسان با دو رنگ متفاوت سفید و زرد خورشیدسان در دو سمت پادشاه به نماد ایزد مهر و ایزدبانوی ناهید.

## ایزدبانوی ناهید، پُل اشتراک نوح و جمشید

گرچه قصه کشتنی نوح (ع) و رَ جمکرد (باغ جمشید) بسیار مشابه‌اند؛ اما مشابهت دیگرشنan، نماد «انگور» است که مرتبط با ایزدبانوی ناهید می‌باشد. در روایات نوروزنامه، پادشاهی از اعقاب جمشید منتب به کاشتن بذر انگور است؛ اما ادبیات دینی مسیحیان، کاشتن انگور و ساختن شراب را به نوح (ع) نسبت می‌دهد. بسیاری از روایات نیز، کشف می‌را منسوب به جمشید دانسته و شرح آن اینطور آمده است که چون انگور فاسد می‌شد، آب آن را گرفتند تا ماندگاری آن بیشتر شود. پس از گذشت مدت کوتاهی، آب انگور تلخ شد و جمشید پنداشت که تبدیل به زهر شده است، پس آن را در خمره کرد. اتفاقاً یکی از کنیزان شدیداً بیمار شد، چنانکه بنابه خودکشی نمود. وی، از عصاره انگور خورد و پس از آن دردش کم شد. او شرح این اتفاق را به جمشیدشاه گفت. جمشیدشاه نیز از آن نوشید و پس از این واقعه، شراب را در رفع بیشتر امراض به کار گرفتند؛ فلذا نام آن را «شاه دارو» نهادند که سبب شفای بیماری‌ها است (یا حقی، ۱۳۸۶، ۷۹۹). تاکستان‌های یونان و روم باستان به «باکوس/باغوس» شهرت داشت این واژه به زبان ارمنی «باکوس» و در زبان روسی «بوگء» / «بغ» تلفظ می‌شود که به معنی «خداوند» است (اکبری و الیکای دهنو، ۱۳۸۴، ۴۳). «مری بویس» معتقد است که لفظ «بانو» / «بغ» مشخصاً عنوان بین‌النهرینی «الله» است که برای ایشتر/ ایزدبانوی ناهید کاربرد داشته (شمودی، ۱۳۸۷، ۳۷ و ۳۶). «بغدخت» مرکب از «بغ» به معنی خدا/ ایزد و «دخت» به معنی دختر و با هم تبدیل به «دختر- خدا»- «دختر (ایزدبانو)» می‌گردد که از روزگاران قدیم لقب ایزدبانوی آناهیتا و ستاره ناهید/ زهره بوده است. «بغدخت» در زبان پارسی با تحول «بغ» به «ی» مواجه گردید و مبدل به «بیدخت» شد (فرهوشی، ۱۳۷۴، ۱۶۵). بنابراین، باکوس/باغوس با ایزدبانوی ناهید ایرانی ارتباط دارد. همین فرم در روایات اسلامی در قالب عزا و عزایا (هاروت و ماروت/ خرداد و امرداد امشاسب‌پند/ هئوروتات و امراتات) وجود دارد که دو فرشته‌اند و برای حُکم کردن به زمین می‌آیدند. زنی از فرزندان نوح، به نام زهره که در فارسی «بیدخت» و در عبری «آناهید» گفته می‌شود، شکایت شوهرش را نزد ایتان برد. آن‌ها بر وی فتنه شدند و عصاره انگور نوشیدند. او نیز نام مهین خدای (اسم اعظم) را از ایشان آموخت و به آسمان رفت (یا حقی، ۱۳۸۶، ۴۳۳ و ۴۲۲). در این متون، ارتباط میان ایزدبانوی ناهید، نوح (ع)، شراب و جمشید هویداست. شراب به عنوان نمادی از ایزدبانوی ناهید است که با جمشیدشاه و نوح (ع) مرتبط است. جمشید خواسته‌های بسیار از آناهیتا داشت و برایش قربانی می‌کرد؛ ناهید نیز خواسته‌های جمشید را برآورده می‌ساخت (مدرسي، ۱۳۸۵، ۳۱). ایزدبانوی ناهید/ ایزدبانوی آب، طبق تورات و قرآن در داستان طوفان نوح به صورت جوشیدن آب از زمین و باران بسیار از آسمان نمود می‌یابد. در داستان نوح، کشتنی بر بالای کوه آرارات فرو می‌نشیند (سفر پیدایش تورات: باب هشتم) و این کوه همان جاییست که در قرآن، به نام «جودی» آمده است (هدو: ۲۴) و هرت و مرت (دستیاران خدای تاکستان‌ها) هستند که بادها را مجبور می‌سازند تا باران فراهم آورند و بر آرارات ببارند (یا حقی، ۱۳۸۶، ۸۶۴). بنابراین عنصر «باد» و «باران/ آب» از اجزاء مهم این متون‌اند. پس از آن، نوح (ع) ابتدا کلاغ و بعد کبوتر را فرستاد تا از فروکش نمودن آب برای پیاده شدن از کشتنی، خبر بیاورند. کلاغ بازنگشت و مشغول لاسه‌خواری شد، پس نوح کبوتر را فرستاد. چون کبوتر بازگشت و اخبار خوش آورد، لقب «قاصد نوح (ع)» به وی اعطا شد. کبوتر، در اساطیر ایران محترم است و به «پیک ایزدبانوی ناهید» شهرت دارد (یا حقی، ۱۳۸۶، ۶۲۲) (نمودار ۱).



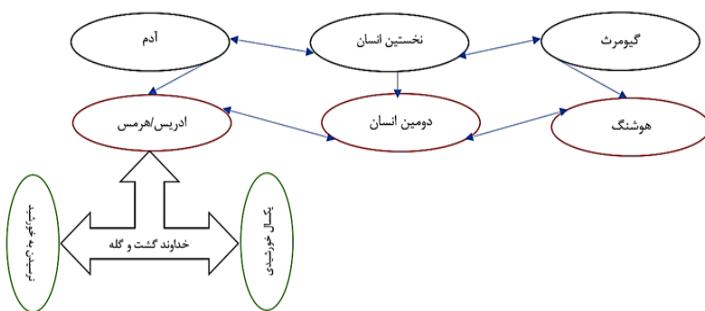
نمودار ۱. ارتباط و وجود اشتراک میان

پیامبر ادیان سامی با پادشاهان  
اسطوره‌ای و پیشااسلامی ایران.

منبع: نگارنده.

## ادریس و مهر در ارتباط با هوشنج، فریدون و جمشید

گیومرث که نخستین انسان از عالم مینوشت با روح گاو نخستین می‌زیست و بعد به روح او کالبد بخشیده شد (یا حقی، ۱۳۸۶، ۷۱۴). پس از گیومرث (جایگزین آدم)، هوشنج (جایگزین ادریس) بر تخت نشست. ادریس پس از آدم و دومین پیامبر بود. در قرن سوم هجری، صابئان حران/ستایشگران آب او را که حامی کشت و گله بود، پیامبر خود و صاحب کتاب آسمانی می‌دانستند. او در حالی که برهای بهدوش گرفته، به سرپرست شیان شهرت یافت که سیصد و شصت و پنج سال (معادل روزهای یکسال خورشیدی) در زمین بزیست و فقط یک ساعت جان از او جدا شد و آن هنگام غروب آفتاب بود. وقتی ادریس را به آسمان بردنده، سوزن و کمی نخ<sup>۳</sup> همراه داشت و به همین سبب نتوانست از آسمان چهارم/فلک خورشید فراتر رود. صابئان، ادریس را با هرمس مطابقت دادند و در قرون وسطی نیز هرمس را همان هوشنج ایرانیان می‌پنداشتند (نصر، ۱۳۴۱). هوشنج بنابر روایات، دومین پادشاه ایران پس از گیومرث است (یا حقی، ۱۳۸۶، ۸۹۵ و ۸۹۶) و وجه اشتراک هوشنج و ادریس، قرار گرفتن در مقام دوم است. در اعلام قرآن، ادریس سه صفت نبوت، سلطنت و حکمت را دارد (خزاںی، ۱۳۴۱، ۸۸) و داستان هاروت و ماروت در زمان ادریس اتفاق افتاد (ابن قیسرانی، ۱۱، ۱۳۸۲) (نمودار ۲).



نمودار ۲. مشابهت میان گیومرث و هوشنج با حضرت آدم و ادریس.

منبع: نگارنده.

در توصیف ادریس، به کشاورزی، شبانی و خورشید اشاره شده است. جمشید نیز با صفت خورشید، «شید» خوانده می‌شود. «شید»/«خشئت»، صفات «خور» است (یا حقی، ۱۳۸۶، ۲۹۱). ایزد مهر نیز در ارتباط با خورشید و ملقب به «دارنده چراغاه وسیع» است. مطابق اسطوره‌های مهری، خون گاو مسبب پیدایش تمام موجودات زمین شد (ماسون و گالینا آناتولینا، ۱۳۸۴، ۹۹). در مهریشت، برای ایزد مهر وظایفی چون نگهبانی کشتزارهای فراخ، پاسبانی از مردم و آسایش آن‌ها تعریف شده است (مهریشت). جمشید، «دارنده رمه خوب» و فریدون از نسل

# بیکره

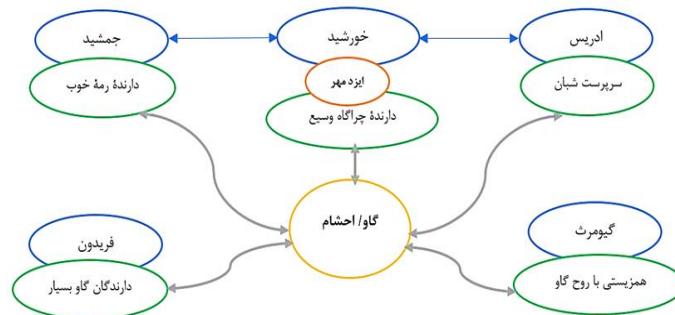
فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

## نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

۲۹

«دارندگان گاو بسیار» است. «ابوریحان بیرونی» در «آثار الباقيه» به اینکه تمامی اجداد فریدون دارای اسمی ترکیبی با واژه «گاو» هستند، اشاره می‌کند. «بندهش» نیز پدر فریدون را آبtein به معنی «دارنده گاو بسیار» تعبیر کرده است (فرنبع دادگی، ۱۳۶۹، ۵۸). سپرده شدن وی به نگهبان گاو هم این پیوند را محکمتر می‌کند و پس از چیرگی بر ضحاک نیز، رهانیدن گوهای افیان که به دست ضحاک اسیر بودند، از دیگر ارتباطات فریدون با «گاو» است (بیرونی، ۱۳۷۷، ۲۹۶). اصلًا نام «کاوه» که با بر چوب کردن پیش‌بند چرمی (چرم گاوی) مسبب پادشاهی فریدون شد، همان واژه «Cow» در انگلیسی است که با تغییر بسیار جزیی از «کاوه» اشتراق یافته است. سپس، «علمی» به قربانی نمودن گلهای گاو برای ایزدبانوی ناهید توسط فریدون صهه می‌گذارد (بلعمنی، ۱۳۸۰، ۱۴۷). حتی زمانی که ضحاک از فریدون امان می‌خواهد و او را به خون جدش قسم می‌دهد، فریدون به خون گاو نری که در خانه جدش بوده سوگند یاد می‌کند که او را بکشد (فردوسی، ۱۳۱۵، ۶۵). ادریس نیز برها ری بر دوش دارد. به علاوه، گردیزی در شرح نوروز، جمشید را نشسته بر گوساله‌ای توصیف می‌کند که به سوی جنوب روان است و دیوان را مغلوب خویش ساخته (گردیزی، ۱۳۴۷، ۲۴۱). در باور ایرانیان باستان، جنبش گاو مسبب پیدایش سال جدید و آغاز نوروز می‌باشد و گذاشتن تخم مرغ روی آیینه و اعتقاد به چرخش آن هنگام تحويل سال بهدلیل افکنندن کرده زمین از شاخی به شاخ دیگر گاو است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۶۹۲). علاوه‌بر این، به نماد مهر در تاج خورشیدسان پادشاه که هنگامه مهرگان و نوروز بر سر می‌گذارده اشاره شده است. مردم نیز با دیدن جمشید که چون خورشید می‌درخشد حیرت‌زده می‌شوند و می‌پندازند که دو خورشید در آسمان است (بیرونی، ۱۳۷۷، ۲۸۰). در مورد وجه تسمه جشن مهرگان نیز زایش مهر / خورشید مطرح است و دیگر آنکه در این روز بود که فریدون را از شیر گرفتند و او بر گاو سوار شد و در آسمان گاوی نورانی پدید آمد که شاخهایش از طلا و پاهایش از نقره بود و چرخ قمر را می‌کشید (یاحقی، ۱۳۸۶، ۷۹۳) (نمودار ۳).



نمودار ۳. ارتباط پیامبران و پادشاهان با گاو و خورشید.  
منبع: نگارنده.

بنابراین گاو، گله، بره و کلاً امر دامپروری و کشاورزی در ارتباط با مهر و ناهید است. ناهید/ زهره در فلك سوم جای دارد و جایگاه خورشید/ مهر در فلك چهارم است. در آبان یشت، مهر و ناهید با یکدیگر پیوسته‌اند. گاهی در نقش چشم یکدیگرند و گاهی ناهید، نقش مادری را برای مهر ایفا می‌کند یا کره خورشید/ مهر، سرچشم رود ناهید می‌گردد. در مهریشت نیز مهر به ماه تشبیه شده (مهریشت) و از این روی، کشیدن چرخ قمر توسط گاوی که فریدون بر آن سوار است، بیانگر مفهوم مهر می‌باشد. زهره/ ناهید نیز در داستان هاروت و ماروت با ادریس و نوح ارتباط ظریفی می‌یابد. ادریس به این جهت که سیصد و شصت و پنج سال بزیست مشابه با ایزد مهر است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۸۷) و چون ادریس دومین پیامبری بود که به فره کیانی/ سلطنت دست یافت، با سلیمان مشابهت

# بِكَرٌ

فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

## نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

۳۰

دارد. فره کیانی نیز از جمشید به مهر و سپس به فریدون رسید. به گواه زامیادیشت، جمشید مدت زیادی از فره برخوردار بود ([عفیفی، ۱۲۹۷، ۴۸۷](#)). این فره را اهورامزدا به وی اعطای کرد و سپس فره پادشاهی را جمشید از ایزد میتراء مهر / خورشید گرفت؛ چنانکه جم به ایزد روشنی در زمین و میترا به ایزد نور آسمانی تعبیر شده است ([وارنر، ۱۳۸۶، ۲۶۶](#)). درون مایه تصویری این نمونه از فرش‌ها بر مدار پادشاهان ایران باستان استوار است و از این روی، چند نماد تکرارپذیر قابلیت پیگیری دارد. جایگاه نخست از آن سربازان تخت جمشید است که در بخش زیرین تصویر (معمولًاً یک سوم پایین) قرار دارد. تعداد این سربازان چهار یا پنج نفر می‌باشد. اما در کل، تعداد سربازان به همراه پادشاه یک گروه پنج یا هفت نفری را تشکیل می‌دهند. میانه فرش به ملازمان پادشاه اختصاص دارد و ایشان به فرم دیوان/اجنه (تصاویر ۳، ۵ و ۶) یا انسان (تصویر ۷) در کنار تختگاه ظاهر می‌شوند. این بخش از فرش، نمایانگر ترکیب روایات اسلامی با داستان‌های پادشاهان اسطوره‌ای ایران است. فره کیانی در بالاترین بخش فرش جای دارد، چراکه نمادی از ایزد مهر و نگاهدار فره کیانی می‌باشد. فرهمندی پادشاه توسط دو عامل تصویری به نشانه حمایت وی توسط ایزد مهر می‌باشد که یا نماد فروهر است (تصاویر ۱ و ۲) یا خورشیدیست که زیر نام پادشاه و در پشت تختگاه پادشاهی قرار دارد (تصاویر ۳، ۵، ۶ و ۷).

## هوشنگ و جمشید؛ الیاس و ادریس

شباهت‌های هوشنگ و جمشید و علی‌الخصوص نیای مشترکشان، به همراه وجود اشتراک جمشید و فریدون یا جمشید و سلیمان‌نبی، مسبب آمیختگی اسطوره‌ها و داستان‌های ایشان با یکدیگر شده است. اسم «هوشنگ» به معنی «بخشنده جایگاه خوب» می‌باشد؛ بنابر روایات، وی دومین پادشاه ایران است و پس از گیومرث<sup>۹</sup> که به خواست اهورامزدا و امشاسب‌پندان<sup>۱۰</sup> بر هفت کشور سلطنت یافت؛ او نه تنها فرمانروای آدمیان بود، بلکه دیوان را نیز منکوب و مقهور خویش ساخت. دوران پادشاهی هوشنگ، امنیت و آسایش حکم‌فرما بود و در روایات شاهنامه، هوشنگ نخستین کسی است که فلزات را استخراج نمود، همچنین آهنگری و آتش را کشف کرد. به علاوه، وی آبیاری زمین‌های زراعی، کشاورزی و تهیه پوشک را آموزش داد ([یاقوتی، ۱۳۸۶، ۸۹۵ و ۸۹۶](#)). جمشید نیز برای نخستین‌بار، سلاح، شمشیر، کرباس، دوختن جامه ([بن‌نديم، ۱۳۴۶، ۲۲](#))، رشتن و تولید ابریشم<sup>۱۱</sup> و رنگ‌های الوان را به کار گرفت. وی دیوان را به اطاعت از خود و ساختن آجر، بنای خانه و گرمابه و ادار کرد ([بلعمی، ۱۳۰](#)، [۱۳۸۰](#)). صاحب فارسنامه آورده است: جمشید، چون دیوان و شیاطین را مسخر خویش گردانید، ایشان را به کارهای سخت گماشت ([صدیقیان، ۱۳۷۵، ۸۱](#)). جمشید علاوه‌بر ساختن «وَرْ جمکرد»، خانه را نیز بنا می‌کند و به نقل از «بلعمی»، هوشنگ، شهر بابل و شوش را پایه‌گذاری می‌کند و مسجد می‌سازد ([بلعمی، ۱۳۸۰، ۲۲۸](#))، از این روی، می‌توان هر دو را در وجه سازندگی مشابه دانست. به دلیل اینکه، واژه «جمشید» معادل «دارنده رمه خوب» است، او را به خورشیدی در آسمان تشبیه کرده‌اند که ستارگان همچون گوسفندان اویند. هوشنگ نیز بنایه روایات در جایگاه خورشید قرار دارد و دارانده لقب «جایگاه خوب» می‌باشد. به همین جهت، هر دو در جایگاه خوب (مکان خورشید و آسمان) قرار دارند. تشابه دیگر در تهیه پوشک، فلزات و آهنگری / ساخت اسلحه، معماری و اهدای قربانی برای ایزدانی ناهید است. مطابق روایات «بن‌نديم»؛ ابلیس به جمشید «نوشتن» را می‌آموزد و سپس جمشید، نوشتن را به مردمان انتقال می‌دهد ([بن‌نديم، ۱۳۴۶، ۲۲](#)). اگر ادریس را همان هوشنگ پیشدادی فرض کنیم، وجه اشتراک دیگر جمشید با هوشنگ / ادریس، «نوشتن» است ([یاقوتی، ۱۳۸۶، ۸۶](#)). ادریس و جمشید با نماد گاو و بره (رمه) عجین هستند و ایزد مهر و باد، عوامل جدایی‌نایذیر آن دو می‌باشند. سلطنت بر هفت کشور

# بیکره

فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

## نمادهای پیشاالامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

۳۱

میان هوشنگ و جمشید و سلیمان نیز مشترک است. در قرآن بارها نام الیاس آمده است و در اعلام قرآن، الیاس<sup>۷</sup> با ادریس همسان است (خزایلی، ۱۳۴۱، ۱۸۷). برخی از مفسران در سوره انعام، آیه ۸۵ و سوره الصافات، آیه ۱۲۳، الیاس را همان ادریس معرفی کرده‌اند و ویژگی‌ها و داستان‌های ادریس را در ذیل این آیات برای «الیاس» آورده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰۵). در اعلام قرآن «الیاس» به «آس» یا گیاه مورد<sup>۸</sup> نزدیک دانسته شده و بهمین دلیل «آس» را مظہر سرسبزی و جاودانگی می‌دانند (خزایلی، ۱۳۴۱، ۱۹۲). این گیاه، نmad آفرینش آغازین ایزدبانوی ناهید است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۷۷۶) و بنابراین الیاس با ناهید و ادریس مرتبط است. از جانب دیگر، چون نوروز جشنی برای ستودن ایزدبانوی آب/ ناهید<sup>۹</sup> است، شباهت‌هایی میان ادریس/ هوشنگ و جمشید را بیشتر می‌کند. بنیان نهادن جشن «خرمروز» یا «نووروز» را که اولین جشن از جشن‌های چهارگانه دی‌ماه است، به هوشنگ منسوب بوده و بنابر روایات پارسیان، جشن اتحاد هوشنگ و برادرش است (بیرونی، ۱۳۷۷، ۲۹۵). مشابهت واژه «دی» و «خور» را در تقویم زرتشتیان می‌توان یافت. روز یازدهم هر ماه، «خیر»/ «خور» نام دارد که روز «خورشید» است. «دی» نیز به قول «بیرونی»، نام ماه دهم هر سال است که «خور ماه» نیز نامیده می‌شود (یاحقی، ۱۳۸۶، ۳۳۸). واژه «نووروز» به لحاظ تلفظی با «نوروز<sup>۱۵</sup>» مطابقت دارد؛ چه اگر منظور «نَوَّد» بود، باید با فاصله از واژه «روز» نوشته می‌شد. بهر حال اگر مقصود «نَوَّد» باشد، تلویحاً به نود روز باقی مانده تا نوروز اشاره دارد. چراکه ایرانیان آخرین روز پاییز (شب یلدا) را برای آفرینش و تولد ایزد مهر (خورشید) جشن می‌گیرند (یاحقی، ۹۱۲، ۱۳۸۶)؛ به علاوه، خورشید در منابع کهن ایران نماد سلطنت، اقتدار و درفش شاهی است (یاحقی، ۳۳۹، ۱۳۸۶). لذا اولین روز دی ماه، اولین روز بازآمدن خورشید است و با آنچه بیرونی درباره برابری خور و دی اعلام کرده، مطابقت دارد. جمشید نیز رب‌النوع آفتاب است و از محل طلوع خورشید ظهور می‌کند (کارنوی، ۷۸، ۱۳۴۱). از این بابت، با در نظر گرفتن خصوصیات مشترک پادشاهان ایرانی با پیامبران سامی، در هم‌آمیختگی داستان‌ها و نقش‌مایه‌های فرش ایرانی امری بدیهیست (نمودار ۴).



نمودار ۴. مطابقت داستان‌ها و خصلت‌های مشترک میان پادشاهان ایرانی و پیامبران سامی. منبع: نگارنده.

## فرش‌هایی با نقوش پادشاهان اسلامی / نادر شاه

در تصاویر پادشاهان اسلامی، چهار ملازم با البسه‌های متفاوت با سربازان تخت‌جمشید حضور دارند که به همراه دو ملازم در بخش بالای فرش و دو وزیر در دو سمت پادشاه، عدد زوج هشت را نمودار می‌سازند (برخلاف پادشاهان پیشاالامی). گرچه اجننه پایین تختگاه حذف شده‌اند، اما گویی این دو اجننه با دو نفر ملازم که در بالای فرش قرار دارند جایگزین شده‌اند. مسئله حائز‌همیت آن است که تقسیم‌بندی مرسوم کماکان بی‌تغییر باقی مانده است. یک یا دو وزیر در بخش میانه فرش و سربازان در بخش پایین جای دارند. حوض آبی که گیاه زیبایی نزدیک به آن در جهت بالا و پایین رسته، نمادی از حمایت ایزدبانوی ناهید است که در میانه کادر عمودی و

## پنجه

فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

### نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

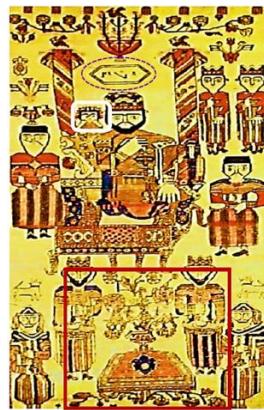
۳۲

قسمت پایین افقی قرار دارد. گوی خورشیدسان که نماد ایزد مهر و فرهمندی پادشاه است، به صورت آرایه‌ای تصویری به صندلی یا تختگاه پادشاه افزوده شده است و نمادی از پادشاه فرهمندی است که با حمایت ایزد مهر بر امر سلطنت گماشته شده است. وی، نماینده زمینی ایزد مهر محسوب می‌شود؛ همچون جمشید که در متون دینی نور زمینی معرفی شده است. بالاترین مقام، از آن ایزد مهر یا نماد وی، فره کیانی است که در قالب فروهر/اندیشه نیک و در بالاترین سطح یا همتراز با سر پادشاه دیده می‌شود. همسطح شدن نماد فروهر در این تصاویر، مفهوم روشنایی اندیشه را تلویحاً نشان می‌دهد (تصاویر ۳، ۵، ۶ و ۷). فره کیانی در فرش‌هایی با نقش‌مایه‌های پادشاهان اسلامی به فرم یک نقش‌مایه تزیینی بر بالای تختگاه پادشاهی تبدیل می‌شود تا حمایتگری ایزد مهر را در ذهن مخاطب تداعی کند و حوض آب با درخت پرگل نماد حمایتگری ایزدبانوی ناهید از پادشاه و تشویق به امر شایسته و ستوده دینی زرتشیان، یعنی کشاورزی را نشان می‌دهد (تصویر ۷).

تصویر ۷. ب. فرش نادرشاه، محل بافت: کرمان، تاریخ: اواخر قرن سیزدهم هجری، مکان نگهداری: موزه ملی فرش. منبع: نگارنده. توضیحات: گوی خورشیدسان به نماد ایزد مهر و حوض آب به نماد ایزدبانوی ناهید.



تصویر ۷. الف. فرش نادرشاه، محل بافت: همدان، تاریخ: اواخر قرن سیزدهم هجری. منبع: [تناولی](#)، ۱۳۶۸، ۱۷۸. توضیحات: گوی خورشیدسان به نماد ایزد مهر و حوض آب به نماد ایزدبانوی ناهید.



## نتیجه‌گیری

فرش ایرانی همواره محملي برای انتقال فرهنگ و اعتقادات ایرانیان در قالب تصاویر بوده است. فرش‌هایی که بدان پرداخته شد، حاوی عناصر نمادینیست که از ترکیب داستان‌های پادشاهان پیشااسلامی و اسطوره‌ای ایران با پیامبران سامی حاصل شده است. اسطوره‌ها و منابع نوشتاری در ادبیات دینی یا فرهنگ شفاهی منجر به شکل‌گیری این نمونه از فرش‌ها شده است که تا پیش از این تنها از دیدگاه تمایل پادشاهان به ابراز مشروعيت در امر حکومت سنجیده می‌شد. نقش‌مایه‌های موجود، فرش‌های تصویری را به عنوان رسانه‌ای قدرتمند در ارائه مفاهیم پیشااسلامی تبدیل کرده است و منجر به تبادلات نمادین نقش‌مایه‌ها با تصاویر پادشاهان ادوار اسلامی شده است. گیاهان موجود در زمینه این نمونه از فرش‌ها، به منظور تجسم بخشی و تداعی «ور جمکرد» یا باغ جمشید برای مخاطبان ایفای نقش می‌کند. دیوان/اجنه‌ای که در بخش زیرین تختگاه پادشاهی قرار دارد، تلویحاً توصیفگر داستان‌های جمشید، هوشنگ و سلیمان هستند و از جانب دیگر، تشابهات پیامبران سامی با یکدیگر و پادشاهان پیشااسلامی باهم، در شکل‌گیری این دسته از نقش‌مایه‌ها مؤثر بوده‌اند. پادشاهان با اسامی بافته شده بر بالای سرشنan به مخاطبان معرفی می‌شوند و بدین‌وسیله روایت‌های مربوط به ایشان را در ذهن مخاطبان زنده می‌کنند. مثلًاً هوشنگ‌شاه بر تختنشسته با نامی که بر بالای سرش بافته شده به مخاطب معرفی می‌شود؛ اما دیگر عناصر تصویری تلویحاً یادآور جمشید و سلیمان نیز هست. علاوه‌بر آن، فره کیانی که از ایزد مهر دریافت شده در حالتی

# بِكَرَه

فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

## نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

۳۳

خورشیدسان کنار سر پادشاه به نماد اندیشه نیک پرتوافشانی می‌کند. دسته‌ای دیگر از همین نمونه فرش‌ها، صرفاً نشانگر تلاش طراحان برای بازسازی نقش‌برجسته‌های تخت‌جمشید است که در فرم فروهر به نماد فره کیانی و در صدر فرش حلول می‌کند تا یادآور اندیشه و گفتار و کردار نیک باشد. این سه اصل و به خصوص اندیشه نیک در امر سلطنت یاری‌رسان پادشاه است؛ بنابراین در بالاترین جایگاه از کادر فرش قرار می‌گیرد. فرش‌هایی با این مضامین، به عنوان حلقه‌انتقال دهنده فرهنگ پیشااسلامی و عصر اسلامی‌ند. اختلاط اسطوره‌های ایرانی با توصیفات موجود در قرآن و دیگر کتب مربوط به ادوار اسلامی، مسبب شکل‌گیری اجزاء تصویری خاص در این فرش‌ها شده است. بدین ترتیب، گرچه در تصویرسازی پادشاهان اسلامی (نادر شاه) نقشماهی دیوان/ اجهنه وجود ندارد؛ اما تقسیم‌بندی فرش به سه بخش پایانی، میانه و نخستین کاملاً محفوظ مانده و چهار ملازمی که در بخش انتهایی حضور دارند، جایگزین سربازان تخت‌جمشید گردیده‌اند. در بخش میانی نیز حضور وزیران همچون گذشته پابرجاست؛ ضمناً جایگاه نخست که متعلق به پادشاه و تختگاهش است نیز بی‌تغییر باقی مانده است. اما اندک تغییراتی نیز در نقشماهی‌های پادشاهان اسلامی در قیاس با پادشاهان پیشااسلامی رخ داده است که قاعدة قرارگیری افراد در اطراف پادشاه رعایت نشده است. گویی قاعدة یک نفر در سمت راست پادشاه و چهار سرباز در بخش زیرین یا دو نفر در طرفین پادشاه و پنج سرباز در بخش زیرین که در فرش‌های هوشنگ‌شاھی مرسوم است با هم در آمیخته و تبدیل به قاعدة چینش افراد برای فرش‌های نادرشاه گردیده است. اما حضور عوامل اصلی از جمله کتیبه نوشتاری برای معرفی پادشاه در بالای فرش و نمادهای ایزد مهر و ایزدبانوی ناهید به منظور حمایتگری از پادشاه، همچنان رکن اصلی نقشماهی‌های فرش‌های شاهی است. نهایتاً می‌توان اینطور استنباط نمود که انتقال مفاهیم از طریق توصیفات متون نوشتاری منجر به شکل‌گیری این نقشماهی‌ها گردیده است. پادشاهان اسطوره‌ای پیشااسلامی دارای خصلت‌ها و توصیفاتی هستند که مشابهت‌هایی را با پیامبران سامی ایجاد کرده و سپس همین خصلت‌ها در قالب نقشماهی‌های فرش نمایان گردیده است. کهن الگوی فره کیانی و حمایتگری مهر و ناهید نیز به عنوان عوامل تغییرناپذیر همواره حضور دارند.

## مشارکت‌های نویسنده

فاقد مشارکت

## تقدیر و تشکر

فاقد قدردانی

## تضاد منافع

نویسنده (نویسنده‌گان) هیچ تضاد منافع احتمالی در مورد پژوهش، تأثیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردد.

## منابع مالی

نویسنده (نویسنده‌گان) هیچ گونه حمایت مالی برای پژوهش، تأثیف و انتشار این مقاله دریافت نکردد.

# بِكَرَه

فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

## نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

۳۴

## پی‌نوشت

1. Logocentrique.

2. Iconocentrique.

۳. عیسی مسیح (ع) را به این شرط به آسمان‌ها بردند که از دنیا هیچ چیز برندۀ یا قاطع با خود نداشته باشد؛ اما سوزنی که از روی غفلت در جیب داشت موجب شد که از آسمان چهارم (فلک خورشید) بالاتر نزد و در واقع با خورشید هم خانه شد (یا حقی، ۱۳۸۶). روز بیست و پنجم دسامبر، در اصل روز تولد «خورشید شکست‌ناپذیر» و روز تولد «مهر» بوده که بعدها به عنوان روز تولد حضرت مسیح (ع) ثبت شد. نخستین اشاره تاریخی به مهر به سال هشتاد میلادی و کتاب thebaid اثر ساتیوس بازمی‌گردد و نوشته شده: «مهر در زیر تخته‌سنگ‌های غار ایران بر شاخ‌های گاو نر سرخست پیروز شد».

۴. تعداد امشاسب‌پندان شش عدد است و یک را به نماد اهورامزا (پروردگار) به آن افزوده کرده و معادل هفت می‌گیرند. همان عددی که جهت نام بردن از کل جهان استفاده می‌شود: «هفت کشور زمین».

۵. گرچه جمشید جانشین تهمورث معرفی شده است، اما تهمورث ابریشم‌کشی را از دیوان آموخت (یا حقی، ۱۳۸۶).

۶. ادریس، نخستین کسی بود که خط نوشتش و جامه دوخت. لباس پوشیدن و بنای شهرها و وضع نجوم و تقویم هم به او منسوب است (محمل التواریخ و القصص، ۱۸۴).

۷. الیاس همان ادریس است زیرا آن حضرت را ظهور و غیبت بوده است و دوباره مبعوث شده است. نام وی پیش از غیبت ادریس نبی بود (مریم: ۵۶ و ۵۷) و پس از آن به اسم الیاس رسول ظهور کرد (صفات: ۱۲۴) (حسن‌زاده‌آملی، ۱۳۷۸، ۶۴۲).

8. Mūrd.

۹. مردم در سپیده‌دم نوروز خود را با آب قنات غسل می‌دهند تا از هر گناه پاک شوند؛ چراکه این روز به فرشته آب تعلق دارد (یا حقی، ۱۳۸۶).

۱۰. ابوریحان بیرونی، طبری و بلعمی، پیدایش نوروز را در دوره سلیمان ذکر کرده‌اند (بیرونی، ۱۳۷۷، ۳۲۵؛ طبری، ۱۳۶۷؛ بلعمی، ۱۳۸۰).

## منابع

- ابن قیسرانی، محمدبن طاهر. (۱۳۸۲). آفرینش و تاریخ (متجم محمدرضا شفیعی کدکنی). تهران: نشر آگاه.
- ابن ندیم. (۱۳۴۶). الفهرست (متجم محمدرضا تجدد). تهران: دنیای کتاب.
- اکبری، تیمور و الیکای‌دهنو، ثریا. (۱۳۸۴). چلپایی شکسته نماد رازآمیز. تهران: سمیرا.
- اوستا/ یشتها. (۱۳۴۷). گزارش ابراهیم پورداود. تهران: طهوری.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱). داشنامه مزدیستا (چاپ ۱). تهران: نشر مرکز.
- ایمانی، الهه، طاووسی، محمود، چیتسازیان، امیرحسین و شیخ‌مهدی، علی. (۱۳۹۴). گفتمان باستان‌گرایی در نقوش قالی‌های تصویری دوره قاجار. گل‌جام، ۱۱، ۲۸-۲۳.
- آهنی، لاله، خزایی، محمد و عبدالله‌فرد، ابوالفضل. (۱۴۰۰). تحلیل نشانه‌های قدرت در قالی‌های تصویری دوره قاجار. پژوهش‌هنر، ۱۱، ۲۷-۲۷.
- بلعمی، ابوعلی. (۱۳۸۰). تاریخ بلعمی (تصحیح محمدتقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی). تهران: انتشارات زوار.
- بی‌نا. (بی‌تا). محمل التواریخ و القصص (به تصحیح ملک‌الشعرای بهار، بر مبنای چاپ نسخه پاریس) (متجم کلالة خاور) (چاپ دوم). بی‌جا: بی‌نا.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۱۸). التفہیم الاؤایل صناعه التنجیم (به تصحیح و مقدمه جلال همایی). تهران: بی‌نا.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۷۷). آثار الباقیه (متجم اکبر داناسرشن). تهران: امیرکبیر.
- پشوتنی‌زاده، آزاده. (۱۳۹۴). گاههای آفرینشی در برخی از فرش‌های شیری فارس. گل‌جام، ۲۷، ۵۵-۷۶.
- تاوارقاتانی، ناهوکو. (۱۳۸۵). ادبیات تطبیقی مار و کاج. تهران: بهجت.
- تنالوی، پرویز. (۱۳۶۸). قالیچه‌های تصویری ایران (چاپ اول). تهران: سروش.

# بِكَرٌ

فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

## نمادهای پیشااسلامی در فرش‌های تصویری ایران از پادشاهان

دوره دوازدهم، شماره ۳۴۰۲ زمستان ۱۴۰۲ شماره صفحات ۱۹ تا ۳۶

۳۵

- ثمودی، فرج. (۱۳۸۷). /یزدانوان در ایران باستان و هند. تهران: آورن.
- حسن‌زاده‌آملی، حسن. (۱۳۷۸). ممد‌الهمم در شرح فصوص الحکم (جلد اول) (چاپ اول). تهران: وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
- خزانی نیشابوری، حسین. (۱۳۷۴). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (تفسیر ابوالفتوح رازی). مشهد: بنیاد پژوهش اسلامی آستان قدس رضوی.
- خزاںیلی، محمد. (۱۳۴۱). اعلام قرآن. تهران: امیرکبیر.
- دزفولیان، کاظم و صحرایی، قاسم. (۱۳۸۹). آمیختگی حکایت‌های جمشید و سلیمان و انعکاس آن در ادبیات فارسی. مجله مطالعات ایرانی، ۱۸(۹)، ۷۵-۹۲.
- رامپوری، غیاث الدین محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ غیاث‌اللغات (به کوشش منصور ثروت). تهران: امیرکبیر.
- رشادی، حجت‌الله. (۱۳۹۰). سیر تحول تصویریافی در فرش ایران/از دیرباز تا امروز (کارشناسی ارشد پژوهش هنر). دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
- سرکارانی، بهمن. (۱۳۵۰). پرسنلی: تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ۱۰۰-۹۷، ۱-۳۲.
- سعدی شیرازی. (۱۳۷۱). کلیات سعدی (از نسخه تصحیح شده ذکاء‌الملک فروغی) (با مقدمه اقبال آشتیانی و محمد علی فروغی، تهران: جاویدان.
- سورآبادی. (۱۳۷۰). قصص قرآن مجید (برگرفته از تفسیر سورآبادی) (به اهتمام یحیی مهدوی). تهران: خوارزمی.
- شایسته‌فر، مهناز و صباح‌پور، طبیه. (۱۳۹۰). بررسی قالی‌های تصویری دوره قاجار. باغ نظر، ۸(۱۸)، ۶۳-۷۴.
- صدیقیان، مهین‌دخت. (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیری حمامی ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طبری، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البيان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبوسی، محمدبن جریر. (۱۳۶۷). تفسیری طبری (متترجم حبیب یغمایی). تهران: انتشارات توسع.
- طبوسی، محمدبن محمود. (۱۳۸۲). عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات (به اهتمام منوچهر ستوده). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عفیفی، رحیم. (۱۲۹۷). اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشهای پهلوی. تهران: انتشارات توسع.
- عهد عتیق. (براساس کتاب مقدس اورشلیم) (متترجم پیروز سیار). تهران: نشر نی.
- عهد جدید. (براساس کتاب مقدس اورشلیم) (متترجم پیروز سیار). تهران: نشر نی.
- غلامی، یدالله. (۱۳۸۶). هنر اسلامی و صور مجسم داستان سلیمان (ع) و بلقیس. صحیفه مبین، ۳۹(۱۲۹-۱۴۲).
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۱۵). شاهنامه فردوسی (به تصحیح عباس اقبال آشتیانی). تهران: بروخیم.
- فرنیغدادگی. (۱۳۶۹). بندھش (گزارنده مهرداد بهار). تهران: انتشارات توسع.
- فرهوشی، بهرام. (۱۳۷۴). ایرانویج. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- قرآن مجید، مترجم محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
- کارنوی، اجی. (۱۳۴۱). اساطیر ایرانی (متترجم احمد طباطبایی) (چاپ اول). تهران: انتشارات اپیکو.
- کشاورز افشار، مهدی. (۱۳۸۷). بررسی قالیچه‌های تصویری قرن ۱۳ و ۱۴ هجری با موضوع تصویر انسان، موجود در موزه فرش ایران (کارشناسی ارشد پژوهش هنر). دانشکده کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
- کویاجی، ج.ک. (۱۳۷۱). پژوهش‌هایی در شاهنامه (گزارش و ویرایش جلیل دوستخواه). اصفهان: زنده‌رود.
- گردیزی، ابوسعید بن محمود. (۱۳۴۷). زین‌الا خبار یا تاریخ گردیزی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لاری، مریم. (۱۳۸۰). نقش جن در نقاشی دوران قاجار. هنرناامه، ۴(۱۰)، ۳۱-۴۱.

- ماسون، میخاییل یوگنیویچ و پوگاچنکووا، گالینا آناتولینا. (۱۳۸۴). ریتون‌های اشکانی نسا (جلد دوم) / تفسیر نقوش ریتون‌ها (مترجم رؤیا تاجبخش و شهرام حیدرآبادیان). همدان: انتشارات بازتاب اندیشه.

- مدرسی، فاطمه. (۱۳۸۵). اسطوره جمشید با نگاهی به سرگذشت سلیمان نی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۲(۱)، ۹-۳۵.

- مرتضوی، منوچهر. (۱۳۳۲). جام جم. پژوهش‌های فلسفی، ۲۶، ۹-۳۹.

- معین، محمد. (۱۳۵۵). مزدیست و ادب پارسی (جلد اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. تهران: سرایش.

- نصر، سیدحسین. (۱۳۴۱). هرمس و نوشه‌های هرمسی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۰(۲)، ۱-۱۷.

- واحددوست، مهوش. (۱۳۷۹). نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی. تهران: سروش.

- وارنر، رکس. (۱۳۸۶). دانشنامه اساطیر جهان (مترجم ابوالقاسم اسماعیلپور). تهران: اسطوره.

- وندشماری، علی. (۱۳۸۷). اسطوره هوشنگ شاه در قالی تصویی دوره قاجار. گلجام، ۱۰، ۸۷-۹۹.

- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.

- عبداللهی، منیژه. (۱۳۸۱). فرهنگنامه جانوران در ادب پارسی بر پایه واژشناسی، اساطیر، باورها. تهران: پژوهندۀ.

- Ander, P. (1995). *Sommire*. England: Aurora Bournemouth.



 ©2024 by the Authours. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>